

آیین‌های مرگ و مویه در لرستان

رحمان باقری^۱

چکیده

مراسم سوگ در هر نقطه از لرستان با مجموعه‌ای از تشریفات و آداب و رسوم همراه است که با وجود برخی تفاوت‌ها، وجوه تشابهی بین همه آنها وجود دارد. بدین معنی که این آداب و سنن به طور کلی باعث تحکیم روابط اجتماعی و فرهنگی بین مردم می‌شود. در این مقاله به مویه‌ها و نقش آنها در سوگ پرداخته شده است. این مویه‌ها صفات متمایز، موقعیت اجتماعی و خانوادگی شخص متوفی را در زمان حیات بازگو می‌کنند. اشعار مویه علاوه بر بیان درجه اندوه و سوز و گداز ناشی از فقدان عزیزی از دست رفته، به نوع فعالیت و نقش و پایگاه افراد اشاره می‌کنند. بنابراین، مطالعه ابیات مویه به منظور شناخت شیوه‌های تاریخی معیشت و وجه مردم‌شناسی مردم این دیار می‌تواند بسیار سودمند و پربار باشد.

استفاده از مفاهیم و ملودی اشعار فولکلوریک در موسیقی‌های پخش شده از رسانه موجب افزایش محتوا و غنای معنایی آنها می‌شود. نمایش آیین‌های مرگ و مویه اقوام، به دلیل وجه زیبایی‌شناختی بومی آنها، جذابیت فراوانی برای مخاطبان دارد. پخش این گونه آیین‌ها از رسانه ملی، بویژه در ایام عزاداری می‌تواند علاوه بر غنی کردن برنامه‌های ویژه این ایام، ساختار جدیدی را به مخاطبان معرفی کند.

کلیدواژه‌ها: سوگ، مویه، عزاداری، پرسونه، سوگواری در لرستان

مقدمه

لرستان پیشینه‌ای کهن و تاریخی درخشان به قدمت چهار هزار سال دارد. آثار کشف‌شده از غارهای متعدد از جمله غار «یافته» و غار «قمری»، بیانگر قدمت تاریخی این استان است. بی‌گمان ارزش علمی پرداختن به فولکلور در لرستان با پژوهش‌ها و تحقیق‌های گسترده و همه‌جانبه مردم‌شناسی این دیار برابری می‌کند. ارزش‌های نهفته در این مراسم و بازشناسی همه آداب و رسوم آن می‌تواند از منابع عمده مطالعاتی برای تمام رشته‌های مرتبط با آن (جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ و...) به شمار آید.

تنوع ویژگی‌های قومی - قبیله‌ای و نیز تنوع آیین هر منطقه و رواج پاره‌ای سنن ریشه‌دار و تاریخی که هنوز هم بین مناطق مختلف استان رواج دارد، بیانگر ویژگی‌های فرهنگی، قومی و مردمی قبایلی است که از دیرباز با تحمل مرارت‌ها و نامرادی‌های بی‌شمار، همچنان به این سنت‌های ارزشمند و دیرپا به دیده احترام نگریسته و حرمت آنها را پاس داشته و آنها را به نسل امروز سپرده‌اند.

آیین‌های مرگ در لرستان

تولد و مرگ، دو فراز اصلی زندگی هر انسانی است. زندگی دنیایی هر چند با فراز و نشیب و سختی و آسانی همراه باشد، پیمودن خطی بین دو نقطه است. بنابراین طبیعی است که هیچ واقعه‌ای به اندازه تولد و مرگ در زندگی مهم نباشد، از این رو هر قوم و قبیله‌ای به تناسب دیدگاه‌های مذهبی، عقیدتی و فرهنگی خود، تلقی خاصی از تولد و مرگ دارد و به گونه خاصی با آن برخورد می‌کند. (چنگایی و حنیف، ۱۳۷۴: ۱۴)

مردم لر در پیمودن مسیر تولد تا مرگ با ره‌توشه‌هایی از باورها، آیین‌ها و آواها و زبانزدهای مخصوص، حماسه کار و زندگی را خلق می‌کنند. یعنی انسان در بستر زندگی و کار متولد می‌شود؛ گاه شادمان است و گاه غمبار، گاه سوز دارد و گاه سوگ، گاهی در عروسی است و گاهی در عزا و در این رهگذر، عزیزترین یادگاری که برای نسل بعد از خود بر جای می‌گذارد، فرهنگ است. (فرجی، ۱۳۷۶: ۱۰۵۸)

بیشتر مورخان، لرها را مردمی سلحشور و کوه‌نشین دانسته‌اند. استرابون جغرافیدان یونانی، از دلاوری و جنگجویی طوایف لر و تیراندازی خوب آنها سخن گفته است. لرها مردمانی قانع، ساده و مهمان‌نوازند و ضمن خلوص و تواضع نسبت به مهمان، از حریم خانواده، ملک و سرزمین و شرف خود به خوبی و تا سرحد جان دفاع می‌کنند. کوه‌های سخت و صعب‌العبور و محصور شدن به وسیله آنها، محدودیت و در بیشتر اوقات قطع ارتباط با سایر مردم و نواحی دیگر کشور و کمبود تولید، آنها را مردمی چالاک و سختکوش در مقابل شدايد زندگي و در عين حال بردبار و صبور بار آورده است. (چنگایی و حنیف، پیشین: ۱۶)

لرها مردمی مسلمان و شیعه‌مذهب‌اند و اعتقاد ویژه‌ای نسبت به ائمه علیهم‌السلام و اولاد ایشان دارند. در اعمال و رفتار خود کمتر ریا و نیرنگ به کار می‌گیرند. (همان: ۱۸)

در گویش‌های مختلف لری، برای شادی و شیون یا برای عروسی و عزا و آواهای مربوط به آن کلمات مختلفی به کار گرفته می‌شود. بروجردی‌ها برای عزا از کلمه «پُرس و پو» (pors o pu) استفاده می‌کنند.



در خرم‌آباد و حومه آنجا که گویش لری خرم‌آبادی رایج است، «چمر» (čamar) معادل کلمه عزاست و به آواهایی که در عزا سرداده می‌شود، «سرمویه» (sarmoya) می‌گویند.

بختیاری زبان‌های لرستان، از واژه «دنگدال» (dongdâl) برای آواهای عزایشان استفاده می‌کنند. اما لک‌زبان‌ها به آواهای عزا، «هوره» (hura) می‌گویند.

سوگ و پرس (pors)

وقتی فردی وفات می‌یابد، جسد متوفی را غسل می‌دهند و کفن می‌کنند و جسد را در تابوتی چوبی می‌گذارند که به آن در اصطلاح محلی «ترم» (tarm) می‌گویند. خانواده متوفی نیز به همه اقوام و آشنایان اطلاع می‌دهند و منتظر می‌مانند که همه مردم جمع شوند، بعد متوفی را به خاک می‌سپارند. در لرستان هیچ‌گاه شب‌هنگام مرده را دفن نمی‌کنند و چنانچه یک نفر شب‌هنگام فوت کند، مراسم تدفین و تشییع جنازه او را به روز بعد موکول می‌کنند.

مراسم تدفین و تشییع جنازه با سوگواری و حزن زیاد انجام می‌گیرد. بدین معنی که چند نفر از مردان خانواده عزادار و بزرگ‌ترهای فامیل در صفی منظم می‌ایستند، بعد مردانی که برای شرکت در مراسم و گفتن تسلیت آمده‌اند، در یک یا چند ردیف منظم روی در روی آنها می‌آیند و با صدای بلند بانگ برمی‌آورند و به پیشانی خود انگشت می‌کشند و می‌نالند. چنانچه متوفی مرد جوان یا صاحب‌نامی باشد، بر سر و شانه‌های خود گل می‌مالند. زنان صاحب‌عزا هم مثل مردان کنار قبر حلقه می‌زنند و بر سر و روی خود می‌کوبند و شیون (وی vay) می‌کنند و صورت خود را با ناخن و انگشت دست می‌خراشند. حتی زنانی که با متوفی نسبت نزدیکی ندارند و برای شرکت در مراسم آمده‌اند نیز انگشت بر صورت خود می‌کشند.

زنان در این روز اغلب چادرهای سیاه بر سر می‌کنند و آنها را دور گردن گره می‌زنند و بر سر و شانه‌های خود گل می‌گذارند و در گروه‌ها و دسته‌های منظم در مراسم تدفین به



عزا و ماتم می‌پردازند و مویه‌ای با آهنگ بسیار حزنانگیز در رسای متوفی سر می‌دهند. آوای این مویه‌ها بغض همه را می‌ترکاند و اشک از دیدگان همه، حتی کسانی که با آنها آشنایی چندانی ندارند و معنی اشعار آنها را هم نمی‌دانند، جاری می‌سازد و سخت‌ترین دل‌ها را به تأثر و تألم

وامی دارد. در این مویه‌ها، اغلب اوصاف برجسته مرده توصیف می‌شود. در گذشته چنانچه متوفی جوان یا صاحب‌نام بود، زنان گیس‌های خود را می‌بریدند و آنها را به میچ دست‌هایشان گره می‌زدند. در گذشته‌های دورتر موها را در اجاق می‌ریختند و مردان ستون اصلی چادر متوفی را می‌انداختند (یعنی خانه‌اش خراب شد)، سیاه‌چادرها را خراب می‌کردند، فرش را زیر رو می‌انداختند و اسب متوفی را سیاهپوش می‌کردند.

امروزه در روزهای عزاداری و مراسم تدفین، به جای اسب، ماشین‌ها سیاهپوش می‌شوند. اگر متوفی پسری جوان و ازدواج نکرده باشد، روز تشییع جنازه، ماشین را (به عنوان و نیت روز عروسپیش) تزیین می‌کنند و زنان فامیل به یاد عروسپیش «کل» (kell) می‌کشند. در گذشته مردم منطقه علاقه داشتند که متوفی را در کنار زیارتگاه‌ها و اماکن متبرکه به خاک بسپارند؛ گاه اتفاق می‌افتاد که افرادی از خانواده‌های بزرگ وصیت می‌کردند که اجسادشان را در محوطه اماکن متبرکه و مقدس به خاک بسپارند که این کار بنا به وصیت شخص متوفی انجام می‌شد. در زیر به برخی از آیین‌های عزاداری در میان قوم لر اشاره می‌شود:

شوشام (šowšâm)

به معنی شب خاکسپاری است که صاحبان عزا شامی را تدارک می‌بینند و همه شرکت‌کنندگان در مراسم (معمولاً اقوام نزدیک) از آن صرف می‌کنند و برای شادی روح آن مرحوم فاتحه‌ای می‌خوانند.

معمولاً تا روز سوّم، مردم و اقوام به خانه متوفی می‌آیند و به آنها تسلیت می‌گویند و با آنها اظهار همدردی می‌کنند. خویشان خیلی نزدیک تا روز سوّم در خانه متوفی می‌مانند و به آنها در انجام امور کمک می‌کنند و به نوعی هدایت و گرداندن مراسم بر عهده آنهاست؛ چون خانواده متوفی در شرایطی نیستند که بتوانند از عهده همه کارها برآیند.

مراسم سوّم

قبل از اینکه خانواده متوفی بخواهند مراسم شب سوّم را بگیرند، برخی کارها را انجام می‌دهند؛ اطلاع دادن روز مراسم به اقوام و آشنایان، آماده کردن مواد و وسایل پذیرایی مانند حلوا، خرما و سایر اقدام‌ها. البته کیفیت مراسم شب سوّم و تدارکات آن به توانایی مالی خانواده صاحب عزا و موقعیت و نفوذ متوفی بستگی دارد. البته امروزه، غنی و فقیر این مراسم را تمام و کمال برگزار می‌کنند و برای این مراسم متحمل هزینه‌های سنگین می‌شوند که بخشی از این هزینه‌ها اغلب با کمک‌های مالی بستگان جبران می‌شود.

کسانی که در مراسم شب سوّم شرکت می‌کنند، در خانه متوفی شام می‌خورند و فاتحه‌ای قرائت می‌کنند و مبلغی را به عنوان «پرسونه» (persona) (پرس به معنی عزا و ماتم است) به خانواده متوفی می‌دهند. در واقع، اهدای این پول کمک به بازماندگان در برگزاری مراسم است.

عصر روز سوّم همگی به سر خاک می‌روند و فاتحه‌ای می‌خوانند. در روز سوّم روی قبر متوفی پرده یا قالیچه‌ای پهن می‌کنند و حلوا، خرما و سایر مواد را روی آن می‌گذارند و در طول مراسم آنها را بین کسانی که در آنجا حضور دارند، پخش می‌کنند تا شرکت‌کنندگان برای شادی روح متوفی فاتحه‌ای قرائت کنند. در این روز اقوام نزدیک (معمولاً زنان) دور قبر حلقه می‌زنند و مویه و شیون می‌کنند. مویه ندایی است که در

وصف عزیز از دست رفته خوانده می‌شود. مویه معمولاً از سوی زنان برای مردها و در کنار قبر یا تابوت متوفی خوانده می‌شود. مویه‌ها آنقدر با سوز و گداز خوانده می‌شوند که دل هر شنونده‌ای را به درد می‌آورد. در این روز مردان فامیل در یک صف می‌ایستند و مردان دیگر دسته دسته برای تسلیت پیش آنها می‌روند و با آرزوی سلامتی و بقای عمر بازماندگان، به آنها تسلیت می‌گویند.

در گذشته، وقتی کسی فوت می‌کرد، مردان نزدیک به افراد خانواده متوفی، ریش‌ها را نمی‌تراشیدند و زنان نیز آرایش نمی‌کردند. امروزه این سنت‌ها تا حدودی کمرنگ شده است و اغلب در مراسم روز سوّم، خانواده متوفی اعلام می‌کند که اقوام نزدیک از عزا درآیند و اگر کسی برای احترام به آنها، کسب و کار خود را تعطیل کرده است، به سر کار و زندگی خود بازگردد.

بعد از پایان مراسم معمولاً خویشان متوفی، خانواده او را به منزل خود می‌برند تا مدتی از گریه و شیون دور باشند و بتوانند روحیه خود را بازیابند. در گذشته، اقوام، آشنایان و حتی همسایگان بعد از روز سوّم یا هفتم به خانه متوفی می‌رفتند و در نظافت کردن و مرتب نمودن کارها به آنها کمک می‌کردند. همچنین سر مردان صاحب‌عزا را اصلاح می‌کردند و ریش‌های آنها را می‌تراشیدند.

مراسم هفتم

در اصطلاح محلی به آن «سر هفته» (sarhafta) می‌گویند که در خانه یا مسجد برگزار می‌شود. در این روز، اقوام نزدیک از صبح به خانه متوفی و بعد از ظهر به سر مزار می‌روند. این مراسم همانند مراسم روز سوّم برگزار می‌شود. امروزه به دلیل هزینه‌های برگزاری چنین مراسمی، شب سوّم و هفتم با هم گرفته می‌شود. بعد از پایان مراسم شب سوّم و هفتم، خانواده و اقوام نزدیک هر هفته پنج‌شنبه‌ها به سر مزار متوفی می‌روند و این کار را تا چهلم ادامه می‌دهند.

مراسم چهلم

قبل از فرارسیدن چهلم، خانواده متوفی حتماً سعی می‌کنند سنگ قبر را برای متوفی فراهم کنند، تاریخ مراسم روز چهلم را به اطلاع آشنایان و اقوام برسانند و وسایل مربوط به پذیرایی را آماده کنند.

در این مراسم، خانواده متوفی و آشنایان بعد از ظهر به سر خاک یا مسجد می‌روند و مراسم با حضور مردم برپا می‌شود. در این روز خانواده متوفی علاوه بر خرما و حلوا و سایر اقلام، سبزه‌ای را روی قبر می‌گذارند. مطابق معمول نیز زنان اقوام نزدیک، بر روی قبر حلقه می‌زنند و شیون و مویه می‌کنند.

در پایان مراسم چهلم، یکی از اعضای خانواده متوفی اعلام می‌دارد که اگر کسانی به خاطر مرده آنها سیاهی پوشیده است، از تن بیرون کند و اگر کسی عروسی یا هر مراسم دیگری را برای احترام به آنان به تأخیر انداخته است، آن را برپا کند. در پایان مراسم نیز، خانواده متوفی از حضور همه شرکت‌کنندگان تشکر می‌کنند و چند روز بعد از مراسم چهلم، چند نفر از زنان خانواده عزادار به خانه تک تک اقوام می‌روند و مقداری حنا یا لباس با خود می‌برند و به آنهایی که لباس سیاه بر تن کرده‌اند، لباس و به زنان میانسال حنا تعارف می‌کنند و از زنان جوان هم می‌خواهند که از عزا بیرون بیایند، ولی بعضی از اقوام نزدیک، بویژه اگر متوفی جوان باشد لباس سیاه خود را تا یک سال از تن بیرون نمی‌آورند. خانواده متوفی بویژه مردان از چهلم تا سالگرد در بعضی از مراسم شرکت می‌کنند، اما اگر متوفی جوان باشد، مادر و همسر و خواهرهای متوفی در چنین مراسمی شرکت نمی‌کنند و در خانه می‌مانند.

مراسم سالگرد

این مراسم به هنگام عصر و در مسجد یا خانه برگزار می‌شود؛ اقوام و آشنایان همه بر سر مزار یا به مسجد می‌روند، حلوا و خرما بین مردم پخش می‌شود و مردم فاتحه می‌خوانند. مراسم سالگرد آخرین مراسمی است که برای متوفی می‌گیرند. بعد از مراسم سال، خانواده متوفی به خانه کسانی که یک سال عزادار و سیاهپوش بودند، می‌روند و

لباس سیاه آنان را از تن بیرون می‌آورند. خویشان عزادار نیز با لباس‌هایی که معمولاً رنگ تند و شاد ندارند، به حضور صاحبان عزا می‌روند و از آنان می‌خواهند که پیراهن سیاهشان را از تن درآورند.

هر چند این مراسم آخرین مراسمی است که برای متوفی می‌گیرند، ولی در ایامی از سال، خانواده متوفی بر سر قبر می‌روند که این ایام شامل عزاداری‌های ماه محرم؛ تاسوعا، عاشورا و سایر ایام عزاداری و همچنین پنج‌شنبه آخر سال است که به اصطلاح «عید اهل قبور» نامیده می‌شود. در این روز، خانواده متوفی با سبزه عید، شیرینی و سایر اقلام به سر خاک می‌روند و آن چنان سوز و گداز و شیونی به راه می‌اندازند که دل هر کسی را به درد می‌آورند.

خانواده متوفی معمولاً عید آن سال را جشن نمی‌گیرند و به عیددیدنی نمی‌روند. مردم لرستان برای مردگان اهمیّت بسیاری قائل هستند و حتی پس از گذشت چند سال از فوت خویشان، خیرات می‌دهند و بر سر قبور حاضر می‌شوند.

هوره (مویه در سوگ)

هوره یکی از سنت‌های دیرینه و باقی این دیار است. هوره به زبان محلی، شعری است که با ناله و آهنگ خاص در رثای کسی خوانده می‌شود. همچنین این اشعار در غربت یا در غم روزهای بر باد رفته یا در رثای محضر سروده می‌شود. آوای این مرثیه از شمال غرب تا جنوب غربی ایران طنین متنوعی دارد، اما این شعرها گاه خلق الساعه و فی البداهه در هجاهای کشیده مرثیه‌خوان را مجالی می‌دهد تا طبع را توأم با آوای حزین خود موزون کند. کلمات در زیر و بم صدای بغض‌آلود آن‌چنان به رشته اندوهبار سرشته می‌شوند که نقش کلیدی خود را در شعر گم می‌کنند. (چنگایی و حنیف، پیشین: ۱۱۳)

در مویه هر نوع گمشده‌ای به فراخور نقش و پایگاه اجتماعی با ابیاتی آهنگین، ساده و سوزناک توصیف می‌شود و بدین‌سان قطرات اشکی که در اندوه عزیزی از دست رفته بر گونه‌ها جاری می‌شود، به‌سان جریان آبی سرد، آتش درون بازماندگان در غم نشسته را فرومی‌نشاند. (غضنفری و فرزین، ۱۳۷۶: ۷۴)

وظیفه مرثیه‌خوانی بر مزار بر عهده زنان است. زنی که در آهنگ و کلمه موفق است، ابتدا می‌سراید و بغض دلسوختگان را می‌ترکاند و آنان را با خود در ترجیع‌بندی که توأمان می‌خوانند، همراه می‌سازد.

به زنی که مویه را خوب می‌داند، در اصطلاح محلی «سرمویه‌آر» (sarmoyeâr) و بیت را «سرمویه» (sarmoye) می‌گویند. تفنگ، زین و اسب در این مویه‌ها واژه‌های ثابت و ماندنی هستند و روح حماسی و عاطفی این دیار را نمایان می‌سازند. امروزه با برافتادن این لوازم، این واژه‌ها از اطلاق حقیقی خود دور شده‌اند و بیشتر نقش اشعاری از اقتدار را بر توسن مجاز حمل می‌کنند. به هر صورت تفنگ در این مویه‌ها، پژواکی به رعب‌انگیزی مرگ در لرستان دارد. هر کس فوت کند، در رثایش اغلب صفات برجسته او را بازگو می‌کنند و سنت مویه بر او جاری می‌شود.



اغلب در رثای فوت‌شدگان ذکر خیری از فوت‌شدگان پیشین هم می‌شود و مشایعت از متوفای امروز را با مدح و رثای مردگان قبلی توأم می‌کنند و واقعه‌های دیروز آنچنان در وقایع امروز تجلی می‌یابند که گویی یک واقعه به کرات تکرار شده است. مویه‌ها تنها بازگوکننده صفات فردی متوفی نیستند، بلکه به نقش و پایگاه اجتماعی او نیز اشاره دارند.

مرثیه (مویه) چوپانان از دست‌رفته شامل شرح مرارت‌های درگیر شدن آنها با انواع جانوران درنده و سختکوشی و ناکامی آنهاست. ابیات سوزناک سروده شده در رثای مرگ کشاورزانی که بیشترین روزهای سال را صرف آبیاری، شخم‌زدن، بذریاشی، خرمن‌کوبی و درو می‌کنند، این مضامین را مرحله به مرحله دربردارد.

سرایندگان این اشعار مردم عادی و رنج‌دیده‌ای هستند که در جریان زندگی و در ادوار مختلف به اتکای ذوق و قریحه سرشار خود با زیباترین الفاظ، شرح دردها و رنج‌های پیش‌آمده را بازگفته‌اند. این اشعار جذاب و دلپذیر که از دل برمی‌آیند و لاجرم بر دل می‌نشینند، علاوه بر بیان درجه اندوه و سوزوگداز ناشی از فقدان عزیز از دست رفته، نوع فعالیت افراد و نقش و پایگاه هر یک را به صراحت بازمی‌گویند. بنابراین مطالعه ابیات مویه به لحاظ شناخت شیوه‌های تاریخی معیشت و وجه مردم‌شناسی مردم این دیار، می‌تواند بسیار سودمند و پربار باشد.

در اینجا به نمونه‌هایی از مویه اشاره می‌شود:

bilâ bekanem dida xowm ža ben	بیلا بکنم دیده خوم ژبن
tâ di novinam donyâ va bi ton	بگذار تا چشم‌هایم را از حدقه بیرون بکشم تا دی نوینم دنیا و بی تن
gisem buran ar qâv garden	تا دیگر این جهان (دنیا) را بدون تو نبینم گیسم بورن ارقاو گردن
že vir nemačow tâ ruz mardan	گیسوانم را تا بالای گردن ببرید ژ ویر نمه‌چو تا روز مردن
ya mâl kia čowl o virone	چرا که تا روز مردن این اندوه و غم از یادم نمی‌رود یه مال کیه چول و ویرونه
malân va morân liš kerdena lone	این خانه کیست که ویران و خراب شده است ملان و موران لیش کردنه لونه
ža xâk tire saret bârodar	پرندگان و موران در آن لانه کرده‌اند ژ خاک تیره سرت باراودر
či harde jârân majlest bâr afar	از خاک تیره سرت را بردار چی هرده جاران مجلست بار افر

مانند گذشته (همیشه) مجلس را به فرّ و شکوه برسان (یعنی متوفی مجلس‌نشین بود)

جمع‌بندی

لرستان؛ سرزمین باورها، پندارها و دیار افسانه‌های کهن ایران است. سوگ و عزا در میان طایفه‌های لرستان (لر و لک)، مجموعه‌ای از سنت، عرف و قوانین کهن ایلی همراه با بینش‌های اعتقادی و دینی به جای مانده از روزگاران گذشته است.

مراسم سوگ در هر نقطه از لرستان با یک سلسله تشریفات و آداب و رسوم همراه است که با وجود برخی تفاوت‌ها وجه تشابهی بین همه آنها وجود دارد؛ بدین معنی که به طور کلی باعث تحکیم روابط اجتماعی و فرهنگی بین مردم می‌شود. آنچه در مراسم عزاداری این دیار قابل توجه است، روح همکاری و تعاون مردم لرستان (اعم از خویشان، بستگان، اقوام و همسایگان) در هنگام اجرای آنهاست. در این شرایط، افراد بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و حس همبستگی قومی و قبیله‌ای در این موقعیت بیشتر نمود پیدا می‌کند و اگر کینه و کدورتی بین آنها وجود داشته باشد، آنها را از یاد می‌برند و دوستی و یكدلی جایگزین آن می‌شود.

در لرستان، برپاداشتن مراسم سوگ و سوگواری بسیار پرهزینه است و این مراسم مدتی طولانی گاه تا یک ماه به درازا می‌کشد. مردمی که برای شرکت در عزاداری می‌آیند، نسبت به شأن، مقام، دارایی و نیز قرابت نزدیکی که با متوفی دارند، پولی به عنوان کمک به خانواده صاحب عزا می‌دهند که به آن «پرسانه» (porsâne) می‌گویند. گاه در پایان مراسم، مبلغی برای صاحب عزا باقی می‌ماند و در اینجاست که این مراسم و سنت‌ها و روش‌های آن، به عنوان یکی از بهترین نمونه‌های همبستگی طایفه‌ای جلوه‌گر می‌شود.

اگرچه هم مراسم عروسی و هم مراسم عزاداری برای اعضای خانواده پرخرج است، اما به برپا داشتن مراسم سوگ و عزاداری بیش از عروسی اهمیت می‌دهند، حتی کسانی که از نظر دارایی وضع مناسبی ندارند، برای حفظ شأن خانوادگی و طایفه‌ای و سرشکسته نشدن در مقابل مردم، مخارج هنگفت را متحمل می‌شوند.

منابع

۱. چنگایی، عزت‌الله و حنیف، محمد (۱۳۷۴) فرهنگ قوم لر، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۲. غضنفری، حسین و فرزین، علیرضا (۱۳۷۶) لرستان در گذر تاریخ، چ ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳. فرجی، عبدالرضا (۱۳۷۶) جغرافیای کامل ایران، تهران: نشر ایران.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آیین سوگواری در ایل کاکاوند

دکتر صفیه مرادخانی^۱
پرستو قبادی^۲

چکیده

سوگ به عنوان واقعیتی مسلم در زندگی قومی مردمان ایران زمین از دیرباز جایگاه مهمی داشته است و آیین‌های متنوعی که برای جلوه دادن سوگ پدید آمده‌اند، حکایت از اهمیت این مقوله برای ایرانیان دارد.

کاکاوند یکی از ایل‌های دلفان لرستان است که مردم آن به زبان لکی تکلم می‌کنند. مردم کاکاوند، مانند دیگر اقوام لک به بسیاری از سنت‌های دیرینه خود پایبند مانده‌اند و چون تعصب خاصی نسبت به درگذشتگان خود دارند و بسیاری از آیین‌های مربوط به سوگ را که از نسل‌های پیش به آنان انتقال یافته است، پاس می‌دارند و در مراسم سوگواری به کار می‌بندند.

در این پژوهش، به روش میدانی همه آیین‌های سوگواری در میان ایل کاکاوند به رشته تحریر درآمده است. حفظ و مکتوب کردن این آیین‌ها تلاشی اندک برای احیا و نگهداری سنت‌های دیرینه اقوام ایرانی لک‌زبان است.

کلیدواژه‌ها: آیین سوگ، مراسم سوگواری، پُرسه، ایل کاکاوند، سوگواری ایلیاتی

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان arsool14@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی